



گزارشی از جلسه رهبری  
فدراسیون سراسری  
پناهندگان  
ایرانی در سوئیس منتخب  
کنفرانس 17 ژانویه 2009



روز سه شنبه 21 ژانویه با حضور  
عبدالله اسدی، جلسه اعضای منتخب  
کنفرانس فدراسیون واحد سوئیس در  
شهر بان در حومه زوریخ برگزار  
گردید. در این جلسه در مورد نکات  
مهمی از فعالیت فدراسیون صحبت  
شد و بر مبنای آن به برنامه ریزی و  
سازماندهی فعالیت آتی آن پرداخته  
شد.

در این جلسه ابتدا احمد مام محمدی  
دبیر فدراسیون واحد سوئیس ضمن  
قدردانی از اعضای فدراسیون به  
خاطر حضور فعالشان در کنفرانس  
در مورد چند نکته مهم از فعالیت آتی  
فدراسیون و نحوه آرایش و آمادگی  
آن برای دفاع از حقوق پناهندگان  
صحبت کرد.

سپس عبدالله اسدی به شکل کار  
کمپینی و وظایف این دوره  
فدراسیون پرداخت و در مورد  
اولویتهای اصلی فعالیت فدراسیون  
توضیحاتی را ارائه داد. وی در ادامه  
صحبتهای خود اظهار داشت که  
فدراسیون سوئیس باید نقشه کار و  
فعالیت آینده خود را تعیین نماید.  
عبدالله اسدی گفت: شما وظایف  
مهمی برنوش دارید و انجام این  
وظایف تنها با اتحاد و همدلی همه  
شما به عنوان مسئولین منتخب  
کنفرانس قابل اجرا خواهد بود. وی  
همچنان با توجه به وضعیت نامعلوم  
و آینده تیره و تاری که در مقابل  
پناهندگان در سوئیس قرار گرفته  
است، گفت: فدراسیون باید فعالتر از  
گذشته در جامعه سوئیس خصوصاً  
در میان پناهندگان باشد و آنها را به  
مبارزه متشکل دعوت نماید.

## مصاحبه نشریه همبستگی با عبدالله اسدی در مورد سفر اخیرش به کشورهای سوئیس و آلمان



یا اگر هم فعالیتی کرده است  
بیشتر بعنوان یک سری  
افراد بوده که بعضاً بعنوان  
فعالین فدراسیون تداعی شده  
اند و به اعتبار و ابتکار خود  
فعالیت کرده اند.  
اگر هم در طول چند سال  
گذشته فدراسیون در کشور  
سوئیس اسم و رسمی داشته  
است و پناهندگان دور آن  
جمع میشده اند و با یک  
سری ادارات تماس داشته

ادامه در صفحه ۲

فدراسیون را به الویتها و  
فعالتهای دوره آتی جلب کنیم و  
تمرکز آنها را روی نکاتی از  
فعالیت بگذاریم که به تغییر مثبت  
و فوری در زندگی پناهندگان  
منجر شود.

**همبستگی:** شما اخیراً برای برگزاری  
یک سری جلسات در چند شهر  
سوئیس و آلمان سفری به آن دو  
کشور داشتید. میخوایم در این مورد  
از شما سؤال کنم که وضعیت  
پناهندگان در کشورهای نامبرده به چه  
صورت است و شما در چه جلساتی  
شرکت کردید؟

**عبدالله اسدی:** سفر من به سوئیس  
بیشتر به منظور شرکت در کنفرانس  
سالانه فدراسیون واحد سوئیس بود  
ولی علاوه بر شرکت در کنفرانس، به  
چند کمپ پناهندگی در آنجا سر زدم و  
همچنین روز 20 ژانویه نیز در جلسه  
ای با مسئولین منتخب کنفرانس،  
شرکت داشتم و از نزدیک هم با این  
مسئولین آشنا شدم و هم در مورد  
نحوه فعالیت فدراسیون، روش کار  
کمپینی و تفاوتها و سنتهای فعالیت  
فدراسیون صحبت کردیم و تلاش  
کردیم تا توجه و تمرکز رهبری

**عبدالله اسدی:** درست است،  
فدراسیون در سوئیس خیلی  
وقت نیست که فعالیت میکند

گزارشی از تشکیل جلسه  
اطلاعاتی در مورد شرایط  
پناهندگی در بریتانیا



روز شنبه بیستم دسامبر به فراخوان  
فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی  
جلسه ای با حضور تعدادی از  
پناهندگان و علاقمندان و به همت  
فعالین فدراسیون در شهر شفیلد  
برگزار گردید. در این جلسه که به  
منظور روشنگری و توضیح جنبه  
های مختلف قوانین پناهندگی و نحوه  
استفاده از آن برگزار شد از دو وکیل  
و حقوقدان برای توضیح و تشریح  
قوانین پناهندگی در بریتانیا دعوت  
شده بود.

در این جلسه وکلای امور پناهندگی  
محمد هشی و محمد سموات و آران  
رضائی دبیر فدراسیون واحد بریتانیا،  
هرکدام به نوبت صحبت کردند. ابتدا  
آران رضائی در رابطه با اوضاع رو  
به وخامت پناهندگی در سطح جهانی  
و از جمله بریتانیا و فشارهای گسترده  
و روزافزون به پناهندگان در بریتانیا  
صحبت کرد و بر ضرورت یک  
مبارزه همه گیر و متشکل تاکید نمود  
و پناهندگان را به مبارزه جمعی در  
دفاع از حقوق خود دعوت کرد. آران  
رضائی در ادامه صحبتهای خود  
گفت: فدراسیون سراسری پناهندگان  
ایرانی ظرف مناسب مبارزه  
پناهندگان برای دفاع از حقوق پایمال  
شده آنهاست به همین دلیل پناهندگان  
لازم است به این فدراسیون بپیوندند و  
از آن به عنوان سنگر دفاع از حقوق  
پناهندگی خود استفاده کنند.

بنیال آن محمد هشی طی سخنان  
مبسوطی آخرین قوانین ویژه دولت  
بریتانیا را با دقت و برشمرد و یکی  
پس از دیگری آنها را توضیح داد و  
محمد سموات نیز در ادامه نکاتی را  
به سخنان آقای هشی اضافه نمود و  
در پایان نیز هر دو نفر به طور  
مشروح به سوالات تک تک دوستان

## اطلاعیه پایانی کنفرانس فدراسیون در کشور سوئیس

صفحه ۴



وی در ادامه سخنان خود گفت:  
سیاست کشورهایی که تا به حال به  
عنوان کشورهای پناهنده پذیر مورد  
رجوع پناهندگان بوده است  
بسیاری از آنها منتهاست که عملاً  
ورود پناهندگان به اتحادیه اروپا  
را سد کرده اند و معاهده.....

کنفرانس به تصویب رساند. بنیال  
آن عبدالله اسدی دبیر  
سراسری فدراسیون که برای  
شرکت در این کنفرانس به سوئیس  
دعوت شده بود سخنرانی کرد.

عبدالله اسدی در سخنرانی خود به  
موقعیت فلاکت بار پناهندگان در  
کشورهای غربی پرداخت و به  
نمونه های بسیار برجسته ای از  
تلاش مبارزه فدراسیون در دفاع  
از پناهندگی اشاره کرد و بر تحکیم  
موقعیت فدراسیون به عنوان ظرف  
مبارزه آنها تاکید کرد.



روز شنبه 17 ژانویه کنفرانس  
سالانه فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی در شهر  
زوریخ با شرکت اکثریت  
اعضاء خود برگزار گردید.  
کنفرانس ابتدا آئین نامه ای را به  
منظور تعیین روال پیشبرد

**گواتامو در فرودگاه  
زوریخ**  
مصاحبه نشریه همبستگی  
با سیمک روزیه نماینده  
همبستگی فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی واحد ترکیه

ادامه از صفحه اول

## مصاحبه نشریه همبستگی با عبدالله اسدی در مورد سفر اخیرش به کشورهای سوئیس و آلمان

اند، تظاهرات سازمان داده اند و پناهجویان را کمک و راهنمایی می‌کنند بیشتر به ابتکار افراد معینی بوده که خود را با فرانسویان تداوی مینموندند و افراد را حول پیوستن به فرانسویان تشویق می‌کردند و از آن قواره یک سازمان ساخته بودند. لازم به ذکر است که در سالهای اخیر احمد مام محمدی در شکل دادن به فرانسویان در سوئیس نقش اساسی داشته و زحمت زیادی کشیده است. جادار بابت این فعالیتها از او قدرانی کم و برگزار می‌کنند و انتخاب بقیه مسئولین را به آنها تبریک بگویم.

این کفرانس که به عنوان اولین کفرانس فرانسویان در سوئیس برگزار گردید شکل بسیار سازمانیتری به فعالیت فرانسویان در سوئیس داد. این کفرانس هم دبیر را و هم 9 نفر دیگر را بعنوان اعضاء رهبری خود انتخاب کرد. بعلاوه کفرانس گزارش مفصلی از فعالیت دوره گذشته فرانسویان و همینطور گزارش مالی را ارائه داد و همچنین در این کفرانس قطعنامه مهمی نیز به تصویب رسید و این قطعنامه مبنای جهت گیری و فعالیت آتی فرانسویان قرار گرفت و کفرانس به اتفاق آرا به آن رای داد. مشکلی که در گذشته با فرانسویان سوئیس داشتیم این بود که فرانسویان سازمانی رسمی و ثبت شده در آنجا نبود و از این نظر تماس و ارتباط مادر سوئیس با دولت و برخی ادارات به سختی انجام می‌گرفت، از این بابت ثبت رسمی فرانسویان در سوئیس نیز در دستور کار کفرانس قرار گرفت و در اولین جلسه مسئولین بعد از کفرانس، بر نکات مهمی از فعالیت دور آتی بویژه ثبت فرانسویان در سوئیس تأکید گردید.

**همبستگی:** شما به تصویب یک قطعنامه اشاره کردید مضمون و جهت این قطعنامه چیست؟

**عبدالله اسدی:** این قطعنامه حاوی نکات مهمی است که شرایط حاضر و موقعیت امروز پناهجویان را به تصویر میکشد و بر این اساس جهت فعالیت آتی فرانسویان را ترسیم مینماید و راه یک مبارزه متشکل به پناهجویان و نحوه مقابله آنها با سیاستهای سخت پاننده پنبیری را نشان میدهد.

در بخشی از این قطعنامه آمده است که در کشور سوئیس و در غرب بطور کلی، اسلام سیاسی و گروههای اسلامی یک مانع جدی

در مقابل انتگراسیون و هم بیوستگی در میان پناهندگان و مهاجرین بوده و تلاش کرده اند تا فاصله زیادی که میان فرهنگ اسلامی و پیشرفتهای فرهنگی در غرب وجود دارد به قوت خود باقی بماند و مناسبات خود را بر اساس قوانین شریعه و سنتهای کهنه اسلامی تنظیم نمایند. کشورهای غربی نیز آن را بعنوان نسبییت فرهنگی برسمیت میشناسند و به آن رسمیت می‌دهند و دست آنان را برای تحکیم مناسبات اسلامی و تبلیغ علیه مناسبات و فرهنگ پیشرفته و مترقی باز میکنند. این در حالی صورت می‌گیرد که خود غرب و کشورهای غربی بر انتگراسیون و هم بیوستگی و حل شدن خارجیان در جامعه جدید تبلیغات میکنند و بسیاری از نهادهای فرهنگی و آموزشی را به این موضوع اختصاص داده اند.

قطعنامه کفرانس فرانسویان در سوئیس، نهادها و گروههای اسلامی را یک مانع جدی در حل خارجیان و جدا نگاه داشتن آنان از جامعه جدید معرفی میکند و یک رکن مبارزه فرانسویان را بر علیه جدا سازی و دفاع از انتگراسیون و علیه نسبییت فرهنگی معرفی مینماید.

**همبستگی:** وضعیت عمومی پناهجویان در سوئیس را در مقایسه با کشورهای آلمان یا سوئد چگونه ارزیابی میکنید؟

**عبدالله اسدی:** سیستم اساسی یکی است. اگر تفاوتی است این تفاوتها بیشتر در مورد نحوه زندگی در شهرها و کمپهای پناهندگی است. تصمیم گیری در مورد پرونده پناهجویان و پاسخ به آنان از سوی اداره مهاجرت در سوئیس و آلمان قریب شوارتر از سوئد و نروژ میباشد. مثلا پناهجویان در سوئد و نروژ زیر دو سال و حداکثر در عرض سه سال پاسخ خود را هر چه که باشد دریافت می‌کنند ولی در سوئیس بسیاری از پناهجویان تا مدت 7 سال بعضا هیچ جوابی دریافت نمی‌کنند. از این نظر بسیاری از این پناهجویان قید گرفتن جواب را زده اند و به زندگی خود در دوران انتظار بعنوان زندگی خود بیشتر مایه می‌گذارند از این نظر به خواندن زبان و پیدا کردن کار و نحوه امرار معاش با دوراندیشی بیشتری می‌پردازند. برای مثال تا پای دائر کردن مغازه ای میروند و برای ایجاد شغل ثابتتری در جهت ادامه و تحکیم زندگی خود تلاش میکنند.

از نظر روش و شیوه زندگی، پناهجویان در سوئیس در ردههای مختلفی زندگی میکنند. به بعضی از آنان بعد از 3 ماه زندگی در کمپ خانه میدهند و کرایه خانه را نیز دولت میپردازد در حالیکه در بسیاری از کشورهای دیگر این خبرها نیست ولی همزمان وقتی به کمپهای پناهندگی در سوئیس سر میزنید زندگی وحشتناکی را میبینید که تصویرش بسیار سخت و غیر قابل قبول است.

آنها در هتلها و ساختمانهای قدیمی زندگی میکنند که انگار هزار سال پیش ساخته شده است و انگار که در مناطق جنگ زده و دور از هر نوع بهداشت زندگی میکنند و مثل آن است که در طول دهها سال گذشته هیچ نوع تعمیر و نوسازی در این کمپها صورت نگرفته است. دیوارهای کهنه و درب و پنجرههای پوسیده و حمام و توالتهای بسیار کثیف و دالانهای دراز و اتاقهای زیاد و در کنار هم، مملو از زن و مرد و کودک از کشورهای مختلف در کشور سوئیس جایی که اکثر سازمانهای بین المللی و به اصطلاح دفاع از حقوق بشر و پناهندگی که در آن شعبه مرکزی دارند، میباشند.

به نظر میرسد که جز یک سری تبلیغات کر کننده هیچ نشانی از حقوق بشر بویژه در برخورد به پناهجویان بعنوان بخشی از همان بشر مورد نظر این سازمانها وجود ندارد. دولت راسیستی سوئیس یکصدم آن ارزشی را که برای حیوانات اهلی قائل است برای پناهجویان قائل نمی‌باشد.

میتوانم من با دیدن یکی از آن کمپها شب خواب نبردم و با دیدن آن شرایط سخت، اردوگاههای حله و رمادیه در دهه 90 در عراق برام تداعی گردید. به علاوه وضعیت خیمه نشینان در افغانستان و شرایط سخت زندگی در بسیاری از کشورهای آفریقایی را به خاطر آوردم از خود پرسیدم که بالاخره آنها در عراق و افغانستان و آفریقا زندگی میکنند و بسیاری از مردم جهان کم و بیش از وضعیت آن مناطق با خبر هستند ولی چرا سوئیس باید اینطور باشد؟ چرا باید همان مردم در سوئیس نیز اینطور زندگی کنند؟ چرا کسی نیست بگوید به چه دلیل این اساتها در سوئیس هم محکومند که همانطور که در کمپهای زندگی کنند که در حله و رمادیه و شاخ آفریقا زندگی میکنند.

من در صحبتی که با مسئولین فرانسویان سوئیس داشتم به آنها توصیه کردم که لازم است یکی از اقدامات شما این باشد که افکار

عمومی جامعه سوئیس را از وضعیت نابسامان این کمپها باخبر کنید، در مقابل آن تحصن و تظاهرات سازمان دهید و زندگی آنها را به تصویر بکشید، سازمانها و مطبوعات مختلف را در جریان بگذارید و خواستار بستن فوری چنین کمپهایی شوید.

**همبستگی:** شما به آلمان نیز سفر کردید و در آنجا نیز جلساتی را برگزار نمودید. این جلسات در چه سطحی صورت گرفت و به چه مسائلی پرداختید؟

**عبدالله اسدی:** جلسه ای که در آلمان و در شهر برمن (Bremen) برگزار گردید در سطح بخشی از مسئولین فرانسویان آلمان بود و با آنها در مورد مسائل مختلف پناهندگی صحبت کردیم و وضعیت در همه جا فرق کرده است به همین دلیل لازم بود در نحوه فعالیت فرانسویان در آلمان بازبینی دقیقتری بکنیم و راه حل مناسبتری برای فعالیت در دفاع از حقوق پناهندگی پیدا کنیم در همین رابطه بحث و تبادل نظر زیادی برسر شکل و سنت کار فرانسویان صورت گرفت

و راه حلهای مختلفی پیشنهاد گردید. **همبستگی:** به نظر میرسد فعالیت فرانسویان در آلمان افت کرده باشد. شما با این نظر موافقت میکنید؟ اگر اینطور است چه اقداماتی برای فعال کردن فرانسویان در آن کشور در دستور گذاشته اید؟ آیا اساسا این امکان وجود دارد به فرانسویان در آلمان شکل فعالتری بدهید؟

**عبدالله اسدی:** من با نظر شما موافقم بلی - فعالیت فرانسویان در آلمان افت کرده است. وضعیت طوری شده که کسی بیرون از آلمان چیزی از فعالیت فرانسویان در آن کشور نمی‌بیند. ولی کافی است که چند روزی در آلمان حضور پیدا کنید و ساعاتی را در منزل و یا محل فعالیت یکی از مسئولین فرانسویان بگذرانید به خوبی متوجه ارتباط وسیعی که میان پناهجویان و فعالین فرانسویان وجود دارد خواهید شد. متوجه میشوید که ارتباط زیادی وجود دارد، کمک به پناهجویان وجود دارد، تمام وقت دارند از طریق تلفن با آنها صحبت میکنند و یا به تحقیق و سرکشی و ملاقات در کمپهای پناهندگی مشغولند.

فعالیت فرانسویان در آلمان اساساً در اشکالی که توضیح دادم پیش می‌رود و من شخصاً با این روش از فعالیت موافق نیستم. بحث من ابداً این نیست که به پناهجویان مشوره فردی ندهیم و یا در دانگاههای آنها شرکت نکنیم و یا به هزار و یک مشکل دیگر آنها به طور فردی رسیدگی نکنیم ما در سوئیس و سوئد و هر جای دیگر که حضور

داریم همین کارها را میکنیم ولی همزمان کارهای بزرگی را هم انجام میدهم برای نمونه تظاهرات بر پا میکنیم، تحصن سازمان میدهم با دولت و مقامات دولتی صحبت و مذاکره میکنیم و آنها را برای سخنرانی در فعالیتهای خود دعوت میکنیم و سالی چندبار به دولت در مورد شرایط ایران و دلایل فرار پناهندگی ایرانیان نامه مینویسیم و پاسخ میگیریم.

انتظار ما نه از فرانسویان در آلمان بلکه از همه واحدهای فرانسویان در سراسر جهان این است که در ظرفیت بالاتری فعالیت نمایند. مسئولین فرانسویان در عرض سال در بسیاری از کشورهای اروپایی صدها پناهجوی ایرانی را بطور فردی کمک میکنند، به آنها تائیدیه میدهند و بعضاً ساعتها مشاوره میدهند و اگر جواب رد بگیرند در دانگاههای آنها شرکت و از آنها دفاع میکنند و به چراغ شرماتی آنها تا دستگیری به یک زندگی ثابت تبدیل می‌شوند. از این نظر پناهجویانی که بسیاری از مشکلاتشان از طریق فرانسویان رفع و رجوع می‌شود هیچ دلیلی ندارد آنها را در یک مبارزه متشکل و سازمان یافته دخیل نکنند و هیچ دلیلی ندارد برای شرکت در یک تحصن و اعتراض پناهندگی به نفع خود به فراخوان فعالین فرانسویان پاسخ مثبت ندهند.

اتفاقاً این همه کار و فعالیت فردی در جهت ایجاد بهبود در زندگی پناهجویان، می‌تواند و باید بتواند اعتماد آنان را به این سازمان بیشتر کند و زمینه را برای فعالیت سازمان یافته و متشکل بیشتر نماید و روحیه مبارزه جوی را در میان آنها تقویت کند. در عین حال باید به پناهجویان گفته شود در جوامع غربی مبارزات زیادی در دفاع از حقوق پناهندگی، گاهی در شکل یک جنبش قوی و اجتماعی و گاهی کمتر ولی همیشه در جریان است و فرانسویان سراسری پناهندگان ایرانی طرف حقیقی مبارزه آنها در این جنبشهاست و باید به این مبارزه بپیوندند.

**همبستگی:** در این رابطه چه نتیجه ای از جلسه با مسئولین فرانسویان آلمان حاصل شد؟

**عبدالله اسدی:** گفتم، بحثهای مهمی صورت گرفت و پیشنهادات خوبی مطرح شد و در آخر به یک نتیجه مشترک بر سر احیای برخی از واحدها و تلاش برای یک حرکت مهم در دفاع از حقوق پناهندگی در آلمان و استوار کردن فعالیت فرانسویان بر کار کمپنی و از سر گرفتن فعالیتهای فرانسویان بر مبنای جهتگیری این جلسه که در روز 23 ژانویه 2009 برگزار گردید، دست یافتیم.

بخش دیگر جلسه در مورد کفرانس فرانسویان آلمان بود. در این مورد جلسه تصمیم گرفت دست کم تا 2 ماه دیگر کفرانس فرانسویان آلمان را برگزار نماید و هیاتی را نیز برای برگزاری این کفرانس و تدارکات فنی و سیاسی و عملی آن تعیین کرد.

\*\*\*\*\*

ادامه از صفحه اول

## گزارشی از جلسه رهبری فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئیس منتخب کنفرانس 17 ژانویه 2009

در این جلسه اکثر مسئولین به بحث و تبادل نظر پرداختند و پیشنهادات بسیار مهمی ارائه داده شد و موارد زیر به تصویب رسید.

- ترجمه قطعنامه مصوب کنفرانس به زبان فرانسوی و آلمانی  
- آملگی و تدارک برای شرکت در یک تظاهرات عمومی  
- ثبت رسمی تشکیلات فدراسیون در سوئیس

- داشتن جلسات منظم هفتگی  
اعضای دبیرخانه و خالت دادن  
اعضاء در حد امکان

- ترجمه اطلاعیه ها و مطالب مهمی  
از نشریه همبستگی به زبانهای آلمانی  
و فرانسوی

- پخش و توضیح بیشتر نشریه  
همبستگی بین پناجویان در سراسر  
سوئیس و کمپهای پناهندگی  
- تهیه گزارش و فیلم از آکسیونهای  
فدراسیون و فرستادن آن برای رسانه  
های عمومی

- حق عضویتها و سروسامان دادن به  
امور مالی

موارد ذکر شده محور فعالیت اصلی  
فدراسیون برای نیمه نخست سال  
جاری تعیین شدند.

سپس حاضرین برای پیشبرد اهداف  
فدراسیون به تقسیم وظایف پرداختند و  
ببین ترتیب رحیم کریمی بعنوان  
مسئول ترجمه نامه های آلمانی و  
فرانسوی، مهدی یوسفی نوروزانی  
مسئول ارتباط با سازمانها و نهادهای  
انساندوست و مدافع حقوق پناهندگی و  
مسئول تامین حضور فدراسیون در  
میان تشکلهای و سازمانهای فعال،  
محمد علی بختیاری منشی، عبدالله  
مهدی نژاد (آرش) مسئول برنامه  
ریزی و تقویم کردن فعالیتهای  
فدراسیون، سونیا پورمیرزاجانی  
مسئول عرصه زنان پناهجو و  
رسیدگی به امور آنها، آیت مرعشی  
پور مسئول روابط عمومی، مریم  
سادات مهدوی مسئول مالی، علی  
موسوی مسئول سرکشی به کمپها و  
آشنا کردن پناجویان با فدراسیون،  
محمود آقایی مقدم مسئول تدارکات  
جلسات و خدمات آکسیونها، فواد  
تیغوری مسئول سبایت فدراسیون واحد  
سوئیس و جمال میثقی دوست نیز به  
عنوان سخنگو انتخاب گردیدند.

در پایان احمد مام محمدی اسامی  
مسئول کانتونها (استانها) را به  
حاضرین ارائه داد که عبارت بودند  
از: مسئول کانتون تیسین ادریس  
ذکوتی، کانتون برن پیمان نجفی  
هفشجانی، کانتون زوریخ بهنام  
مجلی، کانتون اوری شهریار  
محمدی، کانتون شویتز آرش مهدی  
نژاد، کانتون نوشاتل رحیم کریمی،  
کانتون سنگالن آیت مرعشی پور،  
کانتون فربورگ فواد تیغوری،  
کانتون بزل فرشید قاسم پور،  
کانتون آرگاو محمدرضا قاسم پور؛  
همه افراد پیشنهادی مورد توافق  
قرار گرفتند.



## فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس 27 ژانویه 2009

ادامه از صفحه اول

### قطعنامه کنفرانس اول

#### فدراسیون سراسری

#### پناهندگان ایرانی در سوئیس

1- تحمیل بی حقوقی به پناجویان  
در کشورهای عضو اتحادیه اروپا  
و سختگیری در پذیرش آنها بعنوان  
پناهنده و طرح اخراج دسته جمعی  
پناجویانی که پاسخ منفی دریافت  
کرده اند همه و همه بر مبنای  
سیاست اتحادیه اروپا صورت  
میگیرد و دول اروپایی در این  
مورد تمام امکانات تکنیکی و  
پلیسی خود را برای کاهش ورود  
پناجویان به اتحادیه اروپا بکار  
گرفته اند. با اینکه کشور سوئیس تا  
کنون عضو اتحادیه اروپا نبوده  
است اما رفتار و برخورد غیر  
انسانیت در حق پناجویان تابعی  
از سیاست اتحادیه اروپا بوده و  
بسیاری از پناجویان در این کشور  
در کمپهای اجباری اسکان داده شده  
اند و به هیچ وجه حاضر به پذیرش  
آنها بعنوان پناهنده نیستند و از اجازه  
اقامت به آنان تحت هر نامی که  
باشد خودداری مینمایند. این نوع  
سختگیریها نشان آشکار زیر پا  
گذاشتن معاهده کنوانسیون ژنو و  
نقض پروتکل 1967 است که

دولت سوئیس هم یکی از امضاء  
کنندگان آن بوده است.

2- بحران اقتصادی و  
بیکارسازیهای وسیع در  
کشورهای اروپایی بر عدم پذیرش  
پناهندگان در کشور سوئیس و  
دیگر کشورهای اروپایی بشدت  
تأثیر گذاشته و فشار بر پناجویان  
را در این اتحادیه به طرز کم  
سابقه ای تشدید کرده است. این  
وضعیت دست بسیاری از احزاب  
ناسیونالیست و راست افراطی در  
اروپا را برای ضدیت هر چه  
بیشتر با پناهنده و مهاجر باز کرده  
و در تلاش هستند که انگیزه بیگانه  
ستیزی و راسیسم را در جامعه  
تقویت نمایند.

3- در نتیجه این وضعیت، سیاست  
اخراج دسته جمعی مهاجران و  
پناجویانی که به درخواست آنها  
پاسخ منفی داده اند از سوی  
کشورهای اروپایی از سر گرفته  
شده و طبق آییننامه ای که در 18  
ژوئن سال 2008 تصویب گردید  
قرار است سال 2009 اخراج چند  
میلیون پناهجو و مهاجر را به اجرا  
بگذارند و اجرای این آیین نامه را  
در ایتالیا و سوئد آغاز کرده اند.

4- متأسفانه علیرغم وضعیت  
فوق، ما هنوز شاهد یک جنبش  
اعتراضی و انساندوستانه در  
ابعادی اجتماعی در اعتراض به  
این وضعیت نیستیم و اگر هست  
بسیار پراکنده و کم تأثیر بوده و  
منتهاست در حد گروههای فشار  
فرا ترنررفته است. از نظر  
فدراسیون سراسری پناهندگان  
ایرانی این درجه از فشار و  
اعتراض در کشورهای فوق قادر  
به تأثیر گذاری بر وضعیت  
موجود و ایجاد تغییر در زندگی  
پناجویان نمی باشد.

5- کنفرانس اول فدراسیون واحد  
سوئیس سختگیری و تحمیل بی  
حقوقی به پناجویان در این کشور  
را بعنوان تبعیت دولت سوئیس از  
سیاست عمومی اتحادیه اروپا در  
برخورد به پناجویان ارزیابی  
میکند و تمام تلاش خود را برای  
تقویت یک جنبش انساندوستانه  
علیه تبعیض و در دفاع از حقوق  
پناهندگی بکار میگیرد.

6- سازمانها و گروههای اسلامی  
چه در سوئیس و چه در نقاط  
مختلف اروپا مانعی اساسی در  
مقابل انتگراسیون و همپوستگی  
هستند. جریانات و گروههایی که

به علاوه اگر در اوایل دهه 70  
آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی  
حاکم و عملاً برتری طلبی نژادی  
ایجاد شده بود و توجه کل دنیا را به  
خود جلب کرد، مدت 30 سال است  
در ایران در مورد زنان به عنوان  
نیمی از شهروندان آن کشور یک  
آپارتاد جنسی حاکم شده است و عملاً  
تبعیض و نابرابری میان زن و مرد  
را تبلیغ میکنند و هر نوع تخطی از  
آن را با زندان طولانی مدت،  
شکنجه و در بسیاری موارد آنها را  
با مجازات مرگ از نوع سنگسار  
محکوم و مجازات میکنند. از این  
نظر نه تنها نباید هیچ پناهجوی  
ایرانی تهدید به اخراج شود بلکه باید  
یک سیاست سخاوتمندانه و انسانی  
در مورد آنها اتخاذ گردد. از این رو  
فدراسیون سراسری پناهندگان  
ایرانی در سوئیس تمام توان خود را  
برای دفاع از پناجویان بکار خواهد  
گرفت و تلاش میکند که توجه  
جامعه سوئیس را به جنایات  
جمهوری اسلامی در حق مردم  
ایران جلب نماید و جمهوری  
اسلامی را به عنوان عامل اصلی  
فرار مردم از ایران معرفی نماید.



همبستگی، فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی - واحد سوئیس

مسئولیت بخش ترکیه و کشورهای هم مرز  
با ایران را در فدراسیون سراسری  
پناهندگان ایرانی مراد شیخی بعهده دارد.

در مورد مسائل پناهندگی مربوط به ترکیه  
می توانید از طریق شماره تلفن و ایمیل  
آدرس زیر با مراد شیخی تماس بگیرید.

muradsheixi@yahoo.com  
00 45 27 24 68 45

از سایت  
همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی  
دیدن کنید!

www.hambastegi.org

قدرت و پیروزی ما،  
در گرو اتحاد ماست!

## قربانی گمنام

ا.احدی ..سو نیس

کارمند اداره راه و ساختمان سنندج و جوانی پر شوق و نوق و شوخ طبع بود. و من کونکی سه ساله بودم و منزلمان در کرمانشاه بود. هر هفته با اشتیاق برای استقبال از او و خوش روئینها یش بی قرار چشمانم به درب منزل و انتهای کوچه باریکمان بود. تا با دیدنش به طرفش بنوم و خود را در آغوشش جای دهم. یادم هست تا از در می رسید مرا بغل می کرد و زیر لب می خواند... (دختر سبزه، دختر سر ما می نوم سخته موند نت این جا) و تا روز شنبه که باید به سنندج بر می گشت. در آغوش او بودم. و شنبه دوباره روز خدا حافظی او از خا نواده و عزیمت برای کارش بود. و من در حالیکه لیریز از محبت او بوم دوباره شروع به شمردن روزها و سا عتها و لحظه ها می کردم تا پنج شنبه ای دیگر برسد. شبها هت عیبی با پدرم داشت. بوی پدرم را می داد و مانند او پر از محبت و امید بود.

امادر یک پنج شنبه تلخ و غم انگیز او هرگز به خانه بر نگشت. و پنج شنبه های بعدی هم به همین منوال گذشت و دیگر هرگز او را ندیدم. و من ماندم و بی قراری کونکانه و گریه ها و آههای جان سوز مادرم و اشکهای شبانه پدرم که سعی می کرد دور از چشم ما و در خلوت با غم عزیز از دست رفته خود تنها باشد.

ماههای اول پدرو مادرم به هر جا و هر خانه و اداره و محلی که امکان پیدا کردن نشانی از او بود رفتم. اما دریغ حتی از یک نشان و سر نخ

ماهها و سالها می گذشت. و منزلمان به صحرایی ساکت تبدیل شده بود. و از نوق و شوق و امید در آن خبری نبود. تنها در شب ناگهان آههای دل سوز مادرم و هق هق جگر خراش پدرم را می شنیدم و بعد سکوت مطلق. و هیچ.

دیگر سالها از آن کلبوس گذشته بود و من زره آب شدن پدر رنجورم و ملر دل شکسته ام را می دیدم. مدام منتظر بودند و بی قرار ..انتظاری بس طولانی و غم

تمام امید ها برای پیدا کردن او بعد از چند سال دیگر به یاس و غم تبدیل شده بود

پدر رنجور و خسته ام دیگر بیماری روحی اماتش را بریده بود. و این بار در نزدیکی یک صبح غم بار که همه با امید از خواب بر می خیزند در حالیکه زمزمه نام پسر را بر لب داشت صبح و طلوع خورشید را ندید و در حسرت دیدار فرزند جان به جان آفرین تسلیم کرد. و دوباره ما ماندیم و این بار مادری پیر که نمی دانست به کدامین غم بگرید.

بیست و شش سال گذشت و در یک روز فراموش نا شننی تنها یک تماس از او تمام امیدها و آرزوهای بر باد رفته را دوباره به خانه ما باز گرداند. آری او زنده بود و من که دیگر بزرگ شده بودم. احساس می کردم دوباره متولد شدم. ملر درد کشیده ام سر از پا نمی شناخت. جنب و جوش به خانه باز گشته بود. او در کشور سوئد بود. و طی چندین تماس بلند مدت متوجه شدم او قربانی فرقه (مافیای رجوی) شده و به انواع بیماری قلبی و ریوی مبتلا شده بود و ترکش گلوله های درگیری هنوز در بدنش بود. و از بیماری عصبی رنج می برد.

به من گفت تو دیگر بزرگ شده ای و تحصیل کرده هستی. و نباید این موضوعها را به ملر بگویی. بگذار ملر به این کمترین خوشحال باشد و جای خالی پدرمان را پر شده ببیند. و من می دانستم همین برای ملر رنجورم کافی بود و از درد های او با ملرمد صحبتی نمی کردم.

او همه چیز را به من گفت از جنا یتهای فرقه. زندانهای مخوف برای منتقدین. شکنجه های روانی و شست و شوی مغزی. و جلوگیری از تماس با خانواده.

او گفت مدارکی از آنان در دست دارد و با وجود آنکه در کشور سوئد زندگی می کند اشخاص این سازمان تروریستی بنبال او هستند و ترس از افشا شدن اسرار گروهک ما فیا ئی رجوی را دارند.

پس از متنها به مرور فهمیدم او رنجور تر از آن شده است که حس می زدم. چند ماه بود که امید به خانه ما بر گشته بود. ولی افسوس که دیری نپایید و دوباره تکرار غم.... و به ملرمد می گفتم او کمی مریض

است و بستری .. و مجددا از سال 2006 ارتباط کامل قطع شد من از نواج کرده بودم و چون شوهرم مقیم سوئیس بود. امیدی برای دیدن برادر م پس از بیست و نه سال داشتم. در سال 2008 وارد سوئیس شدم و بلا فاصله در نیایی آزاد به دنبال راهی برای کسب خبر از او بودم. در سا یتهای مختلف اطلاعاتی دادم ولی خبری نبود و باز همه چیز در حال تکرار بود

پس از متنها جستجو و تلاش در 19 ژانویه سال 2009 خبر مرگ ایشان بعد از دوسال با پی گیری مستمر به دستم رسید و مشخص شد (امیر احدی) ساکن شهر یونگ شو پینگ در سوئد. در اثر سکت قلبی در گذشته و جسد او سه روز در منزل بوده و با اینکه دولت سوئد می دانسته ایشان سابقه بیماری قلبی و سکت داشته و با ایستای تحت مراقبت باشند. و مداومتکار جزو حق و حقوق ایشان بوده است را در اختیار وی نگذاشته اند. و همین سهل انگار نا بخشو دنی دولت سوئد باعث مرگ ایشان شده است.

باری وقتی خودی برای قدرت و چپا ول در پشت پرده دست در دست نشمن می گذارد. وقتی خودی برای رسیدن به قدرت با منفورترین جلا دان عالم. هم چون صدام هم پیمان می شود. وقتی خودی در ریختن خون فر زندان خلقهای ایران ابائی ندارد. و وقتی ما و فرزندان ملل تحت ستم ایران. دنبال منجی غایب و تخیلی و یا منجی حاضر خارج از مرز. برای نجات از دست دیکتاتور و جلا د هستیم. و وقتی نمی خواهیم با ور کنیم تنها انقلاب همان تحول فکری و سیاسی برابر نیای مدرن در مغز ماست. و به روز رسانی با ورهای ما و دور شدن از خرافات تنها راه نگر گونی و غلبه بر محیط زندگی ماست. چنین بایستی مورد بی تو جهی و بی احساسی دولتهای اروپائی و یا مردم اروپا و غیره باشیم.. و از ماست که بر ماست.

امیر احدی تنها یکی از هزاران هزار نفر فرزندان ملل تحت ستم ایران است که قربانی تو طئه خودی های خود فروش و دست نشانده. چپاول گر خون خوار. شد که به نام آزادی و دمکراسی. در جلد (بره) اقدام به گول زدن فر

زندان ملل ایران نمودند. و در پشت پرده با استعمار گران بزرگ معامله نمودند و بهای این معامله را از خون فر زندان ملل ایران پر داخنتد. همان استعمار گرانی که برای منافع خود روزی شاه را مانع می بینند و روزی با خمینی در استراتژی چپاول خود را هم مسیر می یابند. و توان تاکتیک برای رسیدن به هدف. تنها و تنها. امثال امیر احدیها هستند. که هم اکنون در اشرف و سایر نقاط جهان شاهد زره آب شدن آنان هستیم. شرم بر ما ملل ایران باد. که آفتاب روشن را انکار کرده و ماه خفته در پس ابر را می پندیم و این چنین تن به خواری و نلت می دهیم.

گرچه غم از گریستن بیرون است هر روز مرا گریستن افزون است ای ساقی جان فرور درده جامی تا سیر بگریم که لدم پر خون است (خواهر A.احدی ...ا.احدی ..سو نیس .... 22/01/2009)

## ادامه از صفحه اول گزارشی از تشکیل جلسه اطلاعاتی در مورد شرایط پناهندهگی در بریتانیا

حاضر در جلسه پاسخ دادند. در پایان شرکت کنندگان با رضایت و خوشنودی از نحوه برگزاری جلسه و در فضایی دوستانه بر ادامه این برنامه ها تاکید کردند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از محمد هشی و محمد سموات حقوقدانان امور پناهندهگی به باخطر توضیحات پر بارشان در این جلسه صمیمانه قدردانی کرده و برای این عزیزان آرزوی موفقیت میکند. تلاش ما این است که توضیحات و کلارا جهت استفاده پناهجویان آماده انتشار نماییم.

## همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد بریتانیا 23 دسامبر 2008

## ادامه از صفحه اول اطلاعه پایانی کنفرانس فدراسیون در کشور سوئیس

کنوانسیون ژنو را کنار گذاشته اند و بقیه نیز پذیرش پناهجویان را به شدت محدود کرده و در بسیاری از آنها هزینه های اجتماعی و خدمات درمانی که تا بیروز به پناهجویان تعلق می گرفت یکی پس از دیگری پس گرفته اند.

عبدالله اسدی در بخش دیگری از سخنان خود توجه شرکت کنندگان در کنفرانس را به تصویب آئین نامه اتحادیه اروپا در ماه ژوئن 2008 جلب کرد و گفت به موجب آئین نامه قرار است در سال جاری 8 میلیون پناهنده و مهاجر که در این آئین نامه از آنها به عنوان مهاجر غیر قانونی نام برده شده است از این اتحادیه بیرون کنند. وی گفت با توجه به شرایطی که از آن صحبت کردم و آینده نامعلومی که در مقابل پناهجویان قرار دارد باید به پراکنده خود پایان دهیم و به یک مبارزه عظیم، متشکل و سراسری بپردازیم.

عبدالله اسدی در ادامه صحبتهای خود گفت: متأسفانه در مقابل شرایط سختی که دولت های غربی بر زندگی پناهجویان تحمیل کرده اند، ما هنوز شاهد یک جنبش گسترده و اعتراضی در نفاع از حقوق پناهندهگی در جامعه اروپا نیستیم اما این مبارزه در همه جا، کم و بیش در جریان است و ما باید تلاش کنیم این مبارزه را به هم پیوند بدهیم تا بتوانیم بر تحکیم موقعیت خود به عنوان انسانیایی که از اختناق سیاه جمهوری اسلامی و جنگ و نا امنی در سایر نقاط دنیا فرار کرده ایم موفقیت بیشتری بدست آوریم.

وی گفت: فدراسیون باید برای وصل کردن این حلقه از مبارزه به هم تمام تلاش خود را به کار گیرد. بخش بعدی کنفرانس گزارش مفصلی بود که احمد مام محمدی دبیر فدراسیون واحد سوئیس از فعالیتهای دوره گذشته فدراسیون در سوئیس به کنفرانس ارائه داد. احمد مام محمدی در گزارش خود به کنفرانس به نمونه های بسیاری



مسئولیت مقالات با نویسندگان آنهاست.  
درج مقالات در همبستگی لزوماً به معنی تأیید  
مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کشوری امن  
نیست!

هیچ پناهجوی ایرانی نباید به جمهوری اسلامی دیپورت شود!

## گوآنتامو در فرونگاه زوریخ

دولت سوئیس در راستای تحکیم سیاستهای ضد پناهندگی خود اقدام به ایجاد زندانی شبیه زندان "گوآنتامو" در داخل فرونگاه زوریخ کرده است. افرادی که در این زندان نگهداری می شوند مثل زندانیان ساکن گوآنتامو مورد شکنجه و آزار جسمی قرار میگیرند. تنها جرم نا بخشودنی پناهجویان گرفتار آمده در زندان فرونگاه زوریخ این است که از اختلاق سیاه جمهوری اسلامی و جنگ و نا امنی در بسیاری از نقاط دنیا به این کشور پناه آورده اند.

این زنان و مردان و کودکان بی دفاع از جانب پلیس مستقر در آنجا مورد ضرب و شتم، هتک حرمت و توهین قرار می گیرند. متقاضیان پناهندگی گاه تا چند ماه در سلول زندان در شرایط سختی بسر می برند.

در چند روز گذشته یک خانواده ایرانی به همراه سه فرزند توسط پلیس فرونگاه زوریخ با خشونت تمام دستگیر و در این زندان حبس می شوند. این خانواده در آستانه بیپورت به ایران قرار می گیرند. آنها بعد از انجام مصاحبه ای که با حضور یک مترجم که به زبان فارسی هم تسلط نداشته، با جواب های منفی پی در پی و برو شده بودند. بنیال تلاشهای فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس و دیگر انسانهای آزادیخواه، این خانواده فعلاً از خطر بیپورت به جهنم جمهوری اسلامی ایران نجات پیدا کرده اند. ولی این پایان کار نیست. این زنگ خطری برای همه متقاضیان پناهندگی خواهد بود.

این اولین بار نیست که در این زندان چنین اتفاقی ناگوار و تأسف آور روی می دهد. چنین اتفاقاتی متأسفانه از جانب مینا مورد توجه قرار نمی گیرد. چندی پیش نیز پسر بچه نوازده ساله ای که به رفتار وحشیانه پلیس با پدرش اعتراض کرده بود، توسط پلیس فرونگاه زوریخ مضروب گردید.

بر پاکردن چنین زندان هایی در این فرونگاه که یکی از دروازه های ورود پناهنده به این کشور است، هدفی جز جلوگیری از ورود پناهنده و پامال کردن حق پناهنگی ندارد. این رفتار ضد انسانی با پناهندگان باید هر چه زودتر متوقف شود. هر متقاضی پناهندگی که برای درخواست

پناهندگی قدم به کشوری می گذارد باید با رفتاری انسانی مواجه شود و بدور از هر تهدید و خشونت، پرونده اش مورد بررسی قرار بگیرد. پاسخ شایسته متقاضیان پناهندگی یعنی انسانهای گریخته از جنگ، خفقان و بی حقوقی و زن ستیزی برسمیت شناختن حق پناهندگی آنهاست و نه چیز دیگر. ما همه انسانهای آزادیخواه را به مقابله جدی با سیاستهای ضد پناهنده پذیری دولت سوئیس و دفاع از حق پناهندگی فرا می خوانیم.

**فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس 29 دسامبر 2008**

## کمپین برای آزادی خانواده خسرو نمه شیری

خانواده نمه شیری به مدت دو ماه در زندان فرونگاه زوریخ بوده اند که متأسفانه مورد بی احترامی پلیس و دیگر مقامات فرونگاه قرار گرفته اند. بدون داشتن وکیل و مترجم از آنها مصاحبه شده. به علت تسلط نداشتن مترجم به زبان فارسی؛ متوجه نشدن این خانواده از قضیه بر خورد پلیس با آنها؛ مقامات اداره پناهندگی؛ در نهایت بی عدالتی کیس پناهندگی آنها را مورد اعلام کرده و به آنها منفی می دهند و پرونده پناهندگی آنها را بسته اعلام می می کنند.

آقای نمه شیری از زندانیان سیاسی بوده که 5 سال از عمر خودش را در زندانهای جمهوری اسلامی سپری نموده است. بخاطر همکاری با گروههای سیاسی ایران؛ از دست شکنجه و زندان رفتن؛ اجباراً ایران را ترک کرده است.

با پیگیری انسانهای آزادیخواه و فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی فعلاً این خانواده از زندان فرونگاه زوریخ خارج شده اند. برای باز گشتی مجدد پرونده پناهندگی آنها تلاش مضاعفی صورت گرفته است. فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی همه انسانهای آزادیخواه؛ گروههای سیاسی و دیگر مردم شریف ایران درخواست می کند نامه های حمایتی خود را به آدرس های زیر فکس یا امیل کنند.

صليب سرخ: 0041438165783  
دالگاه: 004144655797  
وکیل: 0041442526481

[Mohammadi1971@gmail.com](mailto:Mohammadi1971@gmail.com)

جهت اطلاعات بیشتر می توانید با این شماره تلفن تماس بر قرار نمایید.  
0041765302268

**فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس**

## ادامه از صفحه چهارم اطلاعیه پایانی کنفرانس فراسیون در کشور سوئیس

از فعالیت فراسیون در این کشور اشاره کرد و توجه کنفرانس را به رؤس برخی از این فعالیتها جلب کرد. فعالتهای فراسیون در سوئیس ترکیبی بود از فعالتهای آکسیونی، نشست و مذاکره با ادارات امور پناهندگی، راهنمایی و مشاوره با پناهجویان در ابعادی بسیار وسیع و آشنا کردن آنها به جامعه جدید و بسیاری مسایل قانونی و حقوقی انگشت گذاشت. احمد مام محمدی در ادامه گزارش خود به کنفرانس گفت که علاوه بر آنها فراسیون در دوره گذشته در بسیاری از پرونده پناهجویان مستقیماً دخالت کرده است و بر روند اقامت آنها تاثیر مثبت گذاشته است.

در بخش ارائه گزارش یک ساعت وقت به اعضای شرکت کننده در کنفرانس داده شد تا حول کم و کاستی های آن اظهار نظر شود. گزارش فعالتهای دور گذشته فراسیون عموماً مورد توافق قرار گرفت و اکثر شرکت کنندگان بر برنامه ها و جهت آینده کار فراسیون تاکید داشتند و در این زمینه پیشنهادات بسیار خوب و راه گشاهی در این کنفرانس مطرح شد و بر آنها به عنوان مبنای فعالیت آتی فراسیون تاکید گردید.

بخش دیگر کنفرانس بررسی موقعیت مالی فراسیون بود که احمد مام محمدی آن را به طور کتبی به کنفرانس ارائه داد و دخل و خرج آن عموماً مورد توافق قرار گرفت و برای بهبود وضعیت مالی طرح ها و پیشنهادات ارزنده ای ارائه شد و در دستور فعالیت آینده فراسیون قرار گرفت. در بخش دیگری از کنفرانس به تصویب قطعنامه ای که برای تصویب در کنفرانس آماده شده بود پرداخته شد. این قطعنامه وضعیت عمومی پناهجویان در سوئیس و سایر کشورهای اروپا را به تصویر می کشید و جهتگیری فعالیت فراسیون در سوئیس را ترسیم می کرد.

این قطعنامه بند به بند در کنفرانس خوانده شد و با اتفاق آراء به تصویب رسید و کنفرانس آن را مبنای فعالیت فراسیون در سوئیس قرار داد. بخش پایانی کنفرانس انتخابات برای دبیر و اعضای رهبری واحد فراسیون در سوئیس بود. در این بخش ابتدا انتخابات برای دبیر

صورت گرفت و احمد مام محمدی تنها کاندید سمت دبیری فراسیون بود که با اتفاق آراء بعنوان دبیر واحد فراسیون سوئیس انتخاب گردید.



در ادامه انتخابات کنفرانس 9 نفر دیگر را بعنوان همکاران دبیر و اعضای رهبری فراسیون تصویب و آنها را انتخاب کردند. اسامی آنها عبارتند از احمد مام محمدی به عنوان دبیر رحیم کریمی، مهدی یوسفی نوروزی، عبدالله مهدی نژاد (آرش) سونیا پور میرزاجانی، مریم سادات مهدوی، بهنام حاصلی، جمال میثاقی دوست، محمد علی بختیاری، آیت مرعشی پور. به دین ترتیب کنفرانس در میان شور و شوق پناهجویان و روحیه بالای آنها برای مبارزه در صفوف فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بعنوان ظرف مبارزه آنها به کار خود پایان داد.

فراسیون همه پناهجویان در کشور سوئیس را به فعالیت متشکل در دفاع از حقوق پناهندگی دعوت می کند.

**همبستگی، فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس 20 ژانویه 2009**

**ادامه از صفحه اول مصاحبه نشریه همبستگی با سیامک روزیه نماینده همبستگی فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد ترکیه مراد شیخی. سوال اول را از اینجا شروع میکنم، شما چرا ایران (محل اقامتتان) را ترک کردید و به دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل ترکیه پناه آوردید.**

این سوال شما رو از دو دیدگاه جواب میدهم بخش اول دلایل شخصی که من ایران را ترک کردم و بخش دوم دلایلی که در مجموع موجب میشود پناهندگان از کشورهای مختلفی به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان ترکیه مراجعه کنند.

عضویت و فعالیت سیاسی در یک حزب سیاسی، شرکت در اعتراضات و تشکلهای اجتماعی و همچنین داشتن عقیده ای خلاف وضعیت موجود از دلایلی بود که بارها موجب بازداشت و

و دستگیری من در ایران شده بود، با تشدید این فشارها و تهدیدهای مکرر اجباراً مجبور به ترک محل اقامت خود شدم.

اما بخش دوم پاسخ به این سوال میتوانم مفاهیم کلی تری را در بر داشته باشم و طیف وسیع تری از مخاطبان را پوشش دهم. آنچه کمیساریای عالی پناهندگان به عنوان دلایل پناهندگی در قوانین خود جای داده بخش محدود و تعریف شده ای از مشکلات مردم برای ترک خانه و دیار خود را در بر میگیرد، اما مشکلات فراتر از این تعاریف و قوانین است. نگاهی گذرا به زندگی و دلایل حضور بسیاری از پناهندگان که از کشورهای مختلفی همچون ایران، افغانستان، عراق، ازبکستان و... به ترکیه آمده اند نشان میدهد که عدم برخورداری از حقوقی کافی برای زندگی شایسته و انسانی در کشورهای ذکر شده یکی از مهمترین دلایل زندگی پناهنده گیت جنگ در عراق و افغانستان با تبعات سنگین انسانی که به جان مردم بی پناهی افتاده که با مشقات فراوانی خود را به دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل میرسانند. جنگ به ظاهر پایان یافته اما با سرد شدن لوله تانکها و تفنگها همه سرها به سوی جنگی دیگر برگشته، جنگ نان اجنگ دارا و نداشتن طبقاتی!

گر سنگی، فقر، بیکاری، جنگهای قومی و عشیرتی، زن ستیزی و قوانین قرون وسطایی در اداره و هنجار کشورهای کدانی عرصه را بر توده ستم کش این کشورها تنگ کرده در ایران نیز شرایط منقولات نیست، ستمهای جنسی، قومی و مذهبی در کنار گذران سخت زندگی و اختلاف روز افزون طبقاتی میتواند دلایل موجه کوچ از محل زندگی برای ایجاد یک زندگی بهتر باشد.

**همبستگی را تکثیر و پخش کنید**



### مراد شیخی : در حال

حاضر وضعیت دفتر کمیساریای عالی پناهندگان و سایر نهادهایی که به شکلی در ترکیه با زندگی روزمره پناجویان در ارتباط هستند چگونه است؟

اداره پلیس شعبه خارجیها، دفتر کمیساریای عالی پناهندگان، استانداری، بیمارستانها و مراکز درمانی، مدارس و مراکز آموزشی از عمده نهادهایی هستند که پناهندگان در زندگی روزمره شان مراجعه میکنند.

دفتر کمیساریای عالی در حال حاضر پرونده هایی را مورد بررسی و مصاحبه قرار میدهد که به دلایل مشخص امکان حضور و زندگی در شرایط قبلی را دارا نباشند. دفتر کمیساریای عالی پناهندگان آنکارا روزهای سه شنبه و دفتر وان در روزهای سه شنبه و پنجشنبه در شب خود را به روی سیل پناجویان باز میکنند. پناجویایی که به تازگی خود را معرفی میکنند ممکن است به دلایلی همچون ازدحام و کمبود مترجم تا مدت زمان زیادی ثبت نام نشوند. پناجویان ثبت نام شده برای مصاحبه با وکلای سازمان ملل باید منت زمانی حدود 3 الی 6 ماه منتظر بمانند، همه این کتر زمان را باید به زمانی که جواب پرونده مورد بررسی قرار خواهد گرفت اضافه کنید. جواب پرونده یک پناهجو میتواند یکی از گزینه های قبول، استیناف، رد و یا پرونده بسته باشد. مدت رسیدگی به پرونده پناجویان گاه تا بیش از 30 ماه طول میکشد.

اما وضعیت پناهندگان با پلیس ترکیه به خصوص پلیس شعبه خارجیها مقولوت است. "امنیت" نامیست که قرار است تعریف پلیس برای مردم ترکیه باشد. "امنیت" در ترکیه، "آسایش" در عراق و "نیروی انتظامی" در ایران مفاهیمیست که سعی دارند تعریفی برای نیروهای سرکوب و فشار دولت باشند. "امنیت" در ترکیه مسئول اینست که هر 6 ماه از پناجویان هزینه اقامت وصول کند. پول خاک هزینه ایست که پناجویان باید برای اقامت در ترکیه بپردازند. این هزینه به ازای هر نفر مبلغی حدود 200 دلار است. کار در ترکیه برای پناجویان ممنوع است. هرگونه فعالیت سیاسی، متشکل و سازماندهی شده در خاک ترکیه جرم محسوب میشود. پناجویان اجازه ندارند از محدوده تعریف شده پلیس خارج شوند، هر پناهجو باید در طول هفته و در روزهای مشخصی به اداره پلیس مراجعه کند و برگه هایی را امضاء کند تا حضور مداومش در محدوده تعیین شده ثبت گردد. علاوه بر اینها به دلیل مشکلات داخلی کشور ترکیه هرگونه تکلم و

و پوشش به زبان کردی نیز جرم محسوب میگردد. اداره "امنیت" در ترکیه مسئول اینست که پناجویان را به دلایل بالا تحت فشار قرار دهد. تهدید هر روزه پناهندگان به خصوص پناهندگان سیاسی با عناوین مختلف به دیپورت به کشور مبدأ، برخورد غیر انسانی و وحشیانه با مراجعه کنندگان که گاهی به ضرب و شتم میجامد از خصلتهای اداره "امنیت" است. بستگیری، بازداشت و یا حتی تحویل پناجویان به کشورهایی که روابط دوستانه دیپلماسی با ترکیه دارند همگی از رفتار هائیتست که پلیس ترکیه با پناجویان دارد. "امنیت" قرار است که امنیت را برای پناجویان و پناهندگان فراهم آورد اما خوشتر تعریفی از ترس و فشار است. هر پناهجو در ترکیه بیم این دارد که دستگیر شود، کتک بخورد یا به کشوری که از آن آمده تحویل داده شود. مهمتر از همه اینکه تخطی از قوانین اداره امنیت میتواند تبعات سنگینی را در وضعیت پرونده پناجویان در دفتر کمیساریای عالی پناهندگان داشته باشد.

است. کار در ترکیه برای پناجویان ممنوع است. هرگونه فعالیت سیاسی، متشکل و سازماندهی شده در خاک ترکیه جرم محسوب میشود. پناجویان اجازه ندارند از محدوده تعریف شده پلیس خارج شوند، هر پناهجو باید در طول هفته و در روزهای مشخصی به اداره پلیس مراجعه کند و برگه هایی را امضاء کند تا حضور مداومش در محدوده تعیین شده ثبت گردد. علاوه بر اینها به دلیل مشکلات داخلی کشور ترکیه هرگونه تکلم و پوشش به زبان کردی نیز جرم محسوب میگردد. اداره "امنیت" در ترکیه مسئول اینست که پناجویان را به دلایل بالا تحت فشار قرار دهد. تهدید هر روزه پناهندگان به خصوص پناهندگان سیاسی با عناوین مختلف به دیپورت به کشور غیر انسانی و وحشیانه با مراجعه کنندگان که گاهی به ضرب و شتم میجامد از خصلتهای اداره "امنیت" است. بستگیری، بازداشت و یا حتی تحویل پناجویان به کشورهایی که روابط دوستانه دیپلماسی با ترکیه دارند همگی از رفتار هائیتست که پلیس ترکیه با پناجویان دارد. "امنیت" قرار است که امنیت را برای پناجویان و پناهندگان فراهم آورد اما خودش تعریفی از ترس و فشار است. هر پناهجو در ترکیه بیم این دارد که دستگیر شود، کتک بخورد یا به کشوری که از آن آمده تحویل داده شود. مهمتر از همه اینکه تخطی از قوانین اداره امنیت میتواند تبعات سنگینی را در وضعیت

پرونده پناجویان در دفتر کمیساریای عالی پناهندگان داشته باشد. طبق اعلامیه ای در اداره پلیس، تحصیل برای کودکان پناهجواباریست. کودکان پناهجو باید در مدارس ترکیه ثبت نام کنند و به زبان ترکی آموزش ببینند. این قانون بیش از آنکه به فکر ارتقای آموزشی کودکان باشد، در نظر دارد زبان و فرهنگ حاکم بر ترکیه را ترویج کند. سازمان ملل نیز اقدام به برگزاری برخی کلاسها دارد که یکی از پایه ای ترین دروسش آموزش زبان ترکیست. وضعیت و درمان پناهندگان نیز وضعیت مناسبی ندارد. هزینه ویزیت یک بیمار معادل 40 دلار است این مبلغ بدون در نظر گرفتن دارو و بستری شدن در بیمارستان است که با توجه به نداشتن بیمه و سایر خدمات درمانی، بیماری پناجویان وضعیتی بسیار دشوار و کمر شکن را به بار میآورد.

مراد شیخی : شما در حال حاضر شاهد مشکلات پناجویان استینافی و پرونده بسته هستید، از نظر شما این دسته از پناجویان چکار باید بکنند تا پرونده هایشان باز شود و به عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟

بله متأسفانه بسیاری از پناجویان به دلایل مختلف با چنین پاسخهایی روبرو میشوند، همانطور که اکثر پناهندگان امروز به این امر واقفند، رویارویی با سازمانهای هم پیوسته و سازماندهی شده ای مانند دفتر کمیساریای عالی پناهندگان و پلیس کشور ترکیه به صورت انفرادی بسیار ضربه پذیر است. به اعتقاد من و همانطور که تجربه های گذشته نشان داده، این پناجویان باید در سازمانهای متشکلی همچون فدراسیون سراسری پناهندگان مشکلات و مسائل خود را در میان بگذارند و با پیوستن به آن در مقابل قوانین ضد انسانی پناهندگی کشورها بایستند. پناهندگی شیوه ای از زندگیست که محصول این نظام و شرایط ضد بشری آنست. هرکسی حق دارد مکان زندگی خود را انتخاب کند و همین دلیل کفایت است. به کسی حق بدیم نخواهد در کشوری ادامه حیات دهد. پاسخهایی همچون استیناف، پرونده بسته و گاه از جانب پلیس دیپورت به کشور مبدأ، قوانینی هستند که به جنگ پایه ای ترین حقوق انسانی رفته اند. از اینرو مبارزه برای پیروزی در برابر چنین قوانین بدون اتحاد و پیگیری قابل تصور نیست. در صورت بروز چنین مشکلاتی فدراسیون سراسری پناهندگان

همانطور که بارها نشان داده میتواند و قدرت اینرا دارد که با راهنمایی و همراهی پناجویان و همچنین خبر رسانی و برگزاری اعتراضات و مکاتبه با سازمانها و نهادهای مختلف از خواست برحق و انسانی پناجویان تارسیدن به هدف دفاع کند.

مراد شیخی : خطاب شما به پناجویان چیست؟ چرا باید متشکل شوند و ضرورت آن در چیست؟

پناهندگی نیز مانند سایر عرصه های زندگی توده های زحمت کشیده و تحت ستم نیازمند آگاهیست! زمانی که یک پناهجو از حقوق و منافع خود آگاه باشد، زمانی که بداند چگونه باید در این جنگ طبقاتی پیش رود، زمانی که بداند او نیز متعلق به نیبای بدون مرز کارگران است؛ خود به خود به این درک میرسد که باید متشکل شود. همانطور که کارگران یک کارخانه برای رسیدن به مطالباتشان نیازمند اتحاد و سازماندهی هستند، پناهندگان نیز باید به این مهم برسند که حول محوری باید گرد هم آیند تا با همکاری و اتخاذ تصمیمهای آگاهانه موفق شوند.

پناهندگی پییده ایست همزاد سرمایه داری، جنگ، تجلوز و ستم زمین از آن انسان و بشریت است و کسی حق ندارد برای آن مرز و محدوده تعیین کند.

رویارویی با این پدیده و سازمانها و نهادهایی که به شکلی در شکل گیری آن نقش داشته و دارند نیازمند آگاهی، اتحاد و مبارزه روزانه است. پناجویان باید از وضعیت شان، حقوقی که دارند و کسانی که میتوانند به شکلی آنها را یاری دهند تصویر دقیق و روشنی داشته باشند. نشریات، وبسایت، سازمان، نماینده، تلویزیون

... و همگی میتوانند پناجویان را در برقراری یک زندگی بهتر که در خورشان و منزلشان باشد یاری کنند. به همه پناجویان و پناهندگان توصیه میکنم برای نجات از شرایط موجود، برای عقب راندن سازمانها و نهادهای ضد انسانی و همچنین برای کسب پایه ای ترین حقوق خود به فدراسیون سراسری پناهندگان بپیوندند، با نشر و مطالعه نشریات هفتگی و همچنین ارتباط بیش از پیش با مسئولین آن از حقوق خود آگاه شوند. پناجویان و پناهندگان باید هر چه مسئولانه تر در فدراسیون مسئولیت ببینند و برای پیشبرد اهداف آن تلاش کنند.

### پناهندگی پنج کشور

#### سرخسی به ترکمنستان

پنج کشور سرخسی که پیش از این مسوولین محلی را برای تامین آب کشاورزی خود تهدید کرده بودند به ترکمنستان پناهنده شدند. شنبه های خبرنگار البرز حاکمیت: موضوع تامین آب کشاورزان سرخس از سد نوستی و مناقشه بر سر این موضوع پیش از این منجر به تهدید مسوولان محلی از سوی برخی کشاورزان منطقه برای پناهنده شدن به ترکمنستان شده بود. با عدم حل مشکل منکور بدلیل جمع آوری پمپ های آب تامین کننده آب مزارع کشاورزی، 55 کشاورز این منطقه با عبور از روستای قوش سربوزی این شهرستان خود را به پلیس مرزی ترکمنستان معرفی کرده اند.

گفته میشود از سوی مقامات مرزی کشور ملاقاتی با فرمانده هنگ مرزی ترکمنستان برای بازگرداندن این کشاورزان صورت گرفته که این مسوول ترکمن پاسخ منفی این مسوولی ایرانی را بقره کرده است.

سر دبیر:  
بابک شدیدی  
\*\*\*\*

همکار سر دبیر  
مراد شیخی

ایمیل آدرس:

[babakshadidi77@yahoo.se](mailto:babakshadidi77@yahoo.se)

آدرس پستی:

Hambastegi  
BM Box 1919,  
London,  
WC1N 3XX  
UK

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

نشریه همبستگی، هر دو هفته یکبار منتشر می شود!  
همبستگی را تکثیر و پخش نمایید!